

درس نامه : ستایش

توضیح درباره ی برخی اصطلاحات ادبی

❖ تحمیدیه :

معمولاً شاعران و نویسندگان ، دیوان اشعار و کتاب های خود را با مدح و ستایش خدا و بیان عظمت های او ، آغاز می کنند . که به آن تحمیدیه می گویند .

ن ک ه : تحمیدیه از حمد و ستایش و ثناگویی می آید .

❖ مصراع

در لغت به معنی یک لنگه ی در از دو لنگه و در اصطلاح ادبی به حداقل سخن موزون (دارای وزن) گفته می شود

ز فیض خاک آدم گشته گلشن

مصراع دوم

مانند : ز فضلش هر دو عالم گشت روشن

مصراع اول

❖ بیت

در لغت به معنای خانه و در اصطلاح ، شعری که از دو مصراع تشکیل شده باشد .

حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

مانند : جهان ، جمله فروغ نور حق دان

❖ قافیه

به کلماتی گفته می شود که در آخر هر مصراع می آیند و آهنگ و حروف اصلی آخرشان برابر است .

ز فیض خاک آدم گشته گلشن

مانند : ز فضلش هر دو عالم گشت روشن

بعداً نگیـد ،

نگفتـی ما !



۱. حرف آخر هر قافیه را حرف (روی) می گویند .

مانند : ای یاد تو مونس روانم جز نام تو ، نیست بر زبانه ← حرف روی

۲. گاهی اوقات هر مصراع یک بیت دو قافیه دارد که در اصطلاح به این بیت ذوقافیتین می گویند .

مانند : جوانی سر از رأی مادر بتافت ← به معنی سرپیچی کرد دل دردمندش به آذر بتافت ← به معنی سوزاند

قافیه قافیه

قافیه قافیه

۳. در زبان عربی (ذو = دو) و (قافیتین = دو قافیه) برای همین ذوقافیتین نام گرفته است .

❖ ردیف

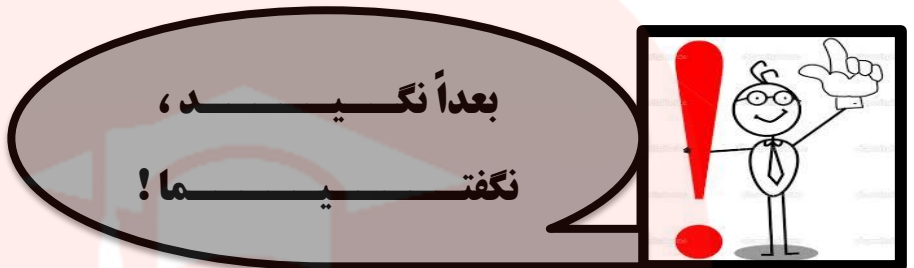
به کلمه یا کلماتی که در آخر هر بیت بعد از قافیه عیناً تکرار می شود ، ردیف می گویند .

مانند : از ظلمت خود رهایی ام ده

با نور خود آشنایی ام ده

ردیف

ردیف



۱. زمانی دو کلمه ردیف هستند که : الف (از نظر تلفظ یکسان باشند ب) معنی یکسانی داشته باشند

مثال ۱: بشنو از نی چون حکایت می کند

از جدایی ها شکایت می کند

ردیف

ردیف

مثال ۲: آتش است این بانگ نای و نیست یاد

هر که این آتش ندارد نیست یاد

به معنی وزنده

به معنای فعل دعایی ، باشد

در مثال ۲ چون (باد و باد) معنی یکسانی ندارند با هم ردیف نیستند و قافیه هستند .

۲. در یک بیت آوردن ردیف اختیاری است اما آوردن قافیه می تواند ضروری باشد . پس اگر بیتی ردیف

نداشته باشد آخرین کلمه قافیه است .

۳. اگر کلمه ای در یک بیت قبل از قافیه قرار گیرد و عیناً تکرار شود ، ردیف به حساب نمی آید .

مانند : جایی که دریاست من کیستم

گر او هست ، حقا که من نیستم

قافیه

قافیه

❖ **مطلع** : به اولین بیت یک شعر مطلع گفته می شود .

❖ **مقطع** : به آخرین بیت یک شعر مقطع می گویند که معمولاً شاعر نام شعری خود را در آن

می آورد .

❖ **تخلص** : به نام شعری شاعر که معمولاً در ابیات آخر شعرها آورده می شود (تخلص)

می گویند .

چشم بند امل از چشم بشر بگشاید

مانند : از پی دیدن این داغ که خاقانی راست

تخلص

در بیت بالا خاقانی نام شاعری است که شعر را سروده است .

قالب شعر

قالب شعر همان وزن و آهنگی است که شعر به وسیله ی آن خوانده می شود . قالب شعر را بر اساس ترتیب قرار گرفتن قافیه در شعر می سنجند .

ما در زبان و ادبیات فارسی انواع قالب شعر را داریم که در دو سال گذشته با چند تا از آنها آشنا شده اید . سعی می شود مواردی که یادآوری می شود به صورت کامل تر بیان شود .

❖ قالب مثنوی

مثنوی در لغت به معنای دو تایی و در اصطلاح به قالب شعری گفته می شود که هر بیت آن قافیه ای جداگانه داشته باشد . به مثنوی دوگانگی نیز می گویند .

مثنوی مناسب ترین قالب شعری برای بیان داستان های پهلوانی ، عارفانه ، عاشقانه ی بزمی و اخلاقی است . این نوع شعر برای بیان مطالب طولانی استفاده می شود . تعداد ابیات مثنوی حداقل دو بیت اما حداکثر محدودیتی ندارد . اما همچنان که گفتیم ؛ مثنوی برای موضوع های زیر سروده می شود .

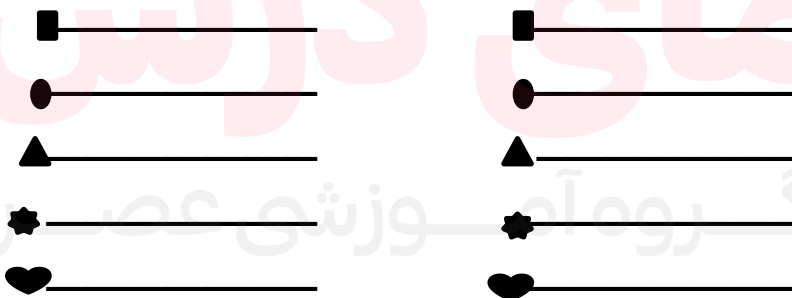
۱. اخلاقی تعلیمی : مانند کتاب بوستان سعدی

۲. بزمی و عاشقانه : مانند کتاب خسرو و شیرین اثر نظامی گنجوی ، ویس و رامین اثر فخر الدین اسعد گرگانی

۳. عارفانه : مانند کتاب های مثنوی مولوی ، منطق الطیر عطار نیشابوری و حدیقه الحقیقه ی سنایی

۴. تاریخی ، حماسی و داستان های پهلوانی : مانند کتاب های شاهنامه ی فردوسی و اسکند نامه ی نظامی گنجوی

از مثنوی سرایان معروف ، فردوسی ، نظامی گنجوی ، سعدی شیرازی ، عطار نیشابوری ، مولوی ، فخرالدین اسعد گرگانی ، سنایی ، شهریار و پروین اعتصامی و ... را می توان نام برد .



طرح گرافیکی
قالب مثنوی

www.my-dars.ir

پرسش و پاسخ



۱- با توجه به واژه های زیر کدام یک می توانند با هم قافیه تشکیل دهند ؟
نام - چراغ - عالم - خاک - جام - نالم - پاک - فراغ

۲- در ابیات زیر ، ردیف ، قافیه و حرف روی را مشخص کنید .

- ز فیضش خاک آدم گشت گلشن ز فضلش هر دو عالم گشته روشن
- جهان ، جمله فروغ نور حق دان حق اندر وی ، ز پیدایی است پنهان
- در او هر چه بگفتند از کم و بیش نشانی داده اند از دیده ی خویش
- از ظلمت خود رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده

۳- قالب مثنوی را تعریف کرده و موضوع های آن را با مثال بنویسید .

www.my-dars.ir

❖ جمله

به سخنی گفته می شود که مفهومی را از گوینده به شنونده انتقال دهد و ممکن است که از یک یا چند کلمه درست شده باشد .

مانند : آدم ← جمله ی یک کلمه ای (فعل)

غذا خوردم ← جمله ی چند کلمه ای

ن ک ه
جمله های یک کلمه ای « فعل » هستند که معنای یک جمله ی کامل را می دهند .
جمله از دو بخش تشکیل شده است :

۱) نهاد : به کلمه یا گروهی از کلمات گفته می شود که درباره ی آن خبری داده می شود.

راه به دست آوردن نهاد : پرسش (چه چیزی یا چه کسی ؟) + فعل

پاسخی که به دست می آید نهاد است .

مثال : بخندد بر من مهران جهان
از این بچه در آشکار و نهان

چه کسانی به من بخندند ؟ مهران جهان (نهاد)

۲) گزاره : کلمه یا کلماتی که خبری درباره ی نهاد به ما می دهند .

در همان مثال بالا بقیه ی اجزای بیت گزاره هستند .

ن ک ه
مهم ترین قسمت گزاره فعل می باشد .

انواع نهاد :

۱. نهاد جدا : همان کلمه یا کلماتی هستند که در پاسخ چه چیز و چه کس ؟ به دست می آیند

مانند : باد بهاری وزید از طرف مرغزار

چه چیزی از طرف مرغزار وزید ؟ باد بهاری (نهاد)

۲. نهاد پیوسته (پنهان) : همان شناسه ها هستند که به فعل می چسبند

شناسه ها شامل : م - ی - د - یم - ید - ند

مثال ۱: در او هر چه بگفتند از کم و بیش

نهاد پیوسته

مثال ۲: خیز و غنیمت شمار ، جنبش باد ربیع

تو = نهاد (پیوسته پنهان)

۳. نهاد فاعلی : وقتی در جمله ، نهاد انجام دهنده ی کار باشد ، فاعلی است .

مانند : زهرا درسش را خواند .

نهاد فاعلی

۴. نهاد غیر فاعلی (مسند الیه) : وقتی در جمله حالتی به نهاد نسبت داده شود .
مانند : زهرا از امتیاز کلاسی ، خشنود شد .

ز ک ق ه : در جمله نهاد به سه صورت می آید :

ا) نهاد + گزاره _____ مولوی یکی از بهترین مثنوی سرایان است .

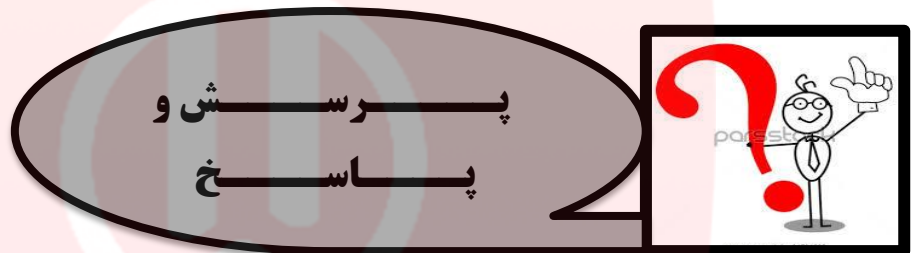
نهاد گزاره

ب) گزاره + نهاد + گزاره _____ پس از ظهور اسلام ، تمدن عظیمی ، به وجود آمد .

گزاره نهاد گزاره

ج) گزاره + نهاد _____ گشت غمناک دل و جان عقاب

گزاره نهاد



در ابیات و عبارات زیر نهاد و گزاره را مشخص کن .

- اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق ، روشنایی افزایش اندر دل .
- هر گل و برگی که هست یاد خدا می کند .
- نیاکانت را ورزش آن مایه داد که شهنام ز ایشان به تابندگی است .
- خرد را نیست تاب نور آن روی برو از بهر او چشم دگر جوی
- گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی

www.my-dars.ir

❖ تغییر جای اجزای جمله در شعر

چون شاعر در شعر ، گرفتار محدودیت وزن و قافیه است ، نمی تواند تمام اجزای جمله را در جای اصلی خودش بیاورد ؛ علاوه بر این گاهی ، تأکید روی یکی از اجزای جمله شاعر را وادار می کند که اجزای جمله را در جای اصلی خودش نیاورد .

مانند : بگیری از آن گنج هر جا سراغ ← هر جا از آن گنج سراغ بگیری .
جدا شد یکی چشمه از کوهسار ← یک چشمه از کوهسار جدا شد .

ن ۵ ۴ ۳ : فعل جمله معمولاً در پایان جمله می آید . اما گاهی بنا بر ضرورتی (محدودیت وزن و قافیه یا تأکید) فعل ، در پایان جمله نمی آید که در مثال بالا دیدید .

❖ ترتیب اجزای جمله

نقش ها در جمله به دو دسته تقسیم می شوند :

۱. نقش های اصلی

۲. نقش های غیر اصلی (فرعی)

➤ نقش های اصلی : در ترتیب اجزای جمله نقش های اصلی ، جزء اصلی جمله هستند و نمی توانیم آنها را از جمله حذف کنیم .

مانند : نهاد (فاعل) - مفعول - فعل

ن ۵ ۴ ۳ : ترتیب اجزای جمله به همین صورت که در بالا نوشته شد ، می آید .

➤ نقش های غیر اصلی (فرعی) : نقش هایی چون : صفت - مضاف الیه - متمم - قید و ... را می توانیم از جمله حذف کنیم و معنی جمله هم تغییر نمی کند .

مثال : زهرا مداد زیبایی از فروشگاه خرید .

نهاد مفعول صفت متمم فعل

درس نامه ی درس اول : معرفت آفریدگار

***** دانش زبانی *****

❖ انواع جمله

جمله از نظر پیام و محتوا به چهار دسته تقسیم می شود :

(۱) جمله ی خبری (۲) جمله پرسشی (۳) جمله ی امری (۴) جمله ی عاطفی

➤ **جمله ی خبری** : جمله ای است که به ما خبری می دهد .

مانند : او محبوب همه ی مسلمانان جهان و مایه ی افتخار ایران بود .

ز ک ت ه : علامت نگارشی جمله ی خبری (.) نقطه ، است .

➤ **جمله ی پرسشی** : جمله ای که در مورد یک عمل یا یک واقعیت ، سؤال می کند .
مانند : چه کسی با من حرف زد ؟

ز ک ت ه : جمله ی پرسشی به دو صورت می آید :

الف (همراه با نشانه های پرسشی (آیا / چگونه ؟ چرا ؟ مگر ؟ کدام ؟ کدامین ؟ هیچ ؟)
مانند : آیا غذا خورده ای ؟

ب) بدون نشانه های پرسشی (پرسش غیر مستقیم) ، ما از طریق لحن و آهنگ متوجه جمله پرسشی می شویم .

مانند : غذا خورده ای ؟

همچنین در پایان جمله ی پرسشی علامت (؟) سؤالی ، می آید .

➤ **جمله ی امری** : جمله ای که در آن مفهوم دستور یا خواهشی ، توصیه ، نهی و بازداشتن وجود داشته باشد .
مانند : لطفاً سر جایتان بنشینید .

ز ک ت ه : فعل امر دو ساخت دارد :

الف) دوم شخص مفرد که بدون شناسه است . گاهی در شعر یا نثر نشانه ی (ب) از اول فعل امر حذف می شود .

مانند : برو ، بخوان ، بنشین

ب) : دوم شخص جمع که با شناسه (ید) می آید .

مانند : بروید ، بخوانید ، بنشینید

همچنین ، علامت نگارشی پایان جمله امری (.) نقطه است . و محتوای جمله ، فقط از روی فعل ، علامت نگارشی و لحن خواندن مشخص می شود .

➤ **جمله ی عاطفی (تعجبی)** : جمله ای که یکی از عواطف یا احساسات انسان مانند : آرزو ، تأسف ، تعجب ، امید ، نفرین ، دعا ، خشم و ... را بیان می کند .

مانند : پاینده باد ایران !
کاش روزی به کام خود برسید / بچه ها آرزوی من این است !

ز ک ت ه : علامت نگارشی پایان جمله ی عاطفی (!) تعجبی ، است .

ممکن است هر جمله یا شعر یا عبارتی با توجه به فعلی که دارد چند پیام داشته باشد .

مثال : هر گل و برگی که هست ، یاد خدا می کند / بلبل و قمری چه خواند ؟ یاد خداوندگار

پرسش و پاسخ



جمله ها و ابیات زیر را از نظر محتوا مشخص کن

- باد بهاری وزید از طرف مرغزار
- باز به گردون رسید ناله ی هر مرغ زار
- شب از اسرار علی آگاه است
- دل شب محرم سرا... است
- برو کار می کن مگو چیست کار
- که سرمایه ی جاودانی است کار
- الهی ، دلی ده که در کار تو جان بازیم
- خندید بر او شعله که از دست که نالی
- ناچیزی تو کرد بدین گونه تو را خوار
- خدا به شما خیر دهد .



تاریخ ادبیات

بلعمی از بزرگان و نویسندگان تاریخ زبان و ادب فارسی در قرن چهارم بود . وی روزگاری را در وزارت سامانیان سپری کرد ، ترجمه ی تاریخ طبری و تألیف ان به زبان فارسی از آثار اوست
متنی که با عنان معرفت آفریدگار ، می خوانید ، از کتاب تاریخ بلعمی برگرفته شده است

شمارش جمله

در زبان فارسی فعل بر دو گونه است :

- حذف به قرینه ی لفظی : فعل یک بار در جمله می آید و بار دوم تکرار نمی شود .
مانند : چه کسی در را باز کرد ؟ مادر . (باز کرد) حذف به قرینه ی لفظی
- حذف به قرینه ی معنوی : فعل اصلاً در جمله نمی آید و ما از روی معنی و مفهوم به فعل حذف شده پی می بریم .

مانند : هر که بامش پیش (است) برفش پیش تر (است)

برای شمارش جمله باید موارد زیر را به خاطر بسپاریم :

۱- یک فعل به تنهایی خودش یک جمله محسوب می شود .

مثال : زهرا به مدرسه آمد و رفت .

جمله اول جمله دوم

۲- فعل های حذف شده که در بالا توضیح دادیم هم یک جمله محسوب می شوند .

مثال : مادر پرسید : لیوان آب را کجا بردی ؟ پاسخ دادم : پیش خواهرم (بردم)

عبارت مثال بالا از چهار جمله تشکیل شده و با دقت متوجه می شوید که ما فعل حذف شده را هم شمردیم ، با اینکه در جمله نبود ولی خودمان متوجه حذف لفظی آن شدیم .

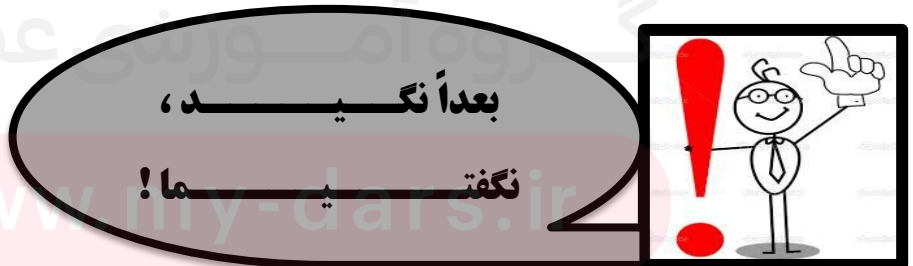
۳- شبه جمله ها هم یک جمله هستند .

به عبارت هایی که بدون فعل معنی کاملی می دهند ، شبه جمله می گویند .

شبه جمله ها
۱- ندا و منادا
۲- اصوات

۱- منادا و منادا : به کلمه ای (اسمی) که مورد خطاب قرار می گیرد منادا می گویند و به حروفی که قبل از منادا است حرف ندا می گویند . مانند : ای خدا ! این وصل را هجران مکن .

حرف ندا منادا



۱. نشانه های ندا ، عبارتند از (ای - یا - ایها - الا - ا ← در آخر منادا و ...)

۲. گاهی نشانه های ندا از جمله حذف می شود .

مثال ۱: کاش روزی به کام خود برسید / بچه‌ها! آرزوی من این است . ای بچه‌ها

مثال ۲: دست در دامن زد در / که علی ، بگذر و از ما مگذر ای علی

۳. اگر نشانه ی ندا نیاید یا علامت (!) بعد از آن قرار گیرد یا حتماً یک (،) بعد از اسم قرار می گیرد . پس منادا یک جمله است .

۲- اصوات (جمع صوت) : گاهی برای حالت هایی مانند آرزو ، اندوه ، شادی از کلمه هایی استفاده می شود .

(ا) تعجب و شگفتی : شگفتا - عجباً - به - عجب و ...

(ب) تحسین : آفرین - احسنت - خوشا - به به - بارک ا... - ماشاءا... و ...

(ج) غم و افسوس : آه - افسوس - دریغ - دریغا - حیف - دردا - آخ - وای - حسرتا - وه و ...

(د) آگاه کردن و هشدار دادن : زنهار - مبادا - الا - هان - هین - سلام - خداحافظ - بله - خیر - نه و ...

(ه) آرزو و تمنا : کاش - کاشکی

آیا می دانستید:



۱. اگر پس از فعل جمله (و — واو) و (یا) قرار بگیرد ، پس از آن هر کلمه ای باشد به تنهایی خود یک جمله محسوب می شود .

مثال ۱ : این خبر را من بدهم یا تو ؟ می دهی (فعل حذف شده)

مثال ۲ : برو کارگر باش و امیدوار باش (فعل حذف شده) که از یأس جز مرگ ناید به کار

۲. کلماتی مانند رفتن ، دیدن ، شنیدن و ... مصدر هستند و در شمارش جمله به حساب نمی آیند .

مانند : اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق ، روشنایی افزایش اندر دل .

اندیشه کردن مصدر است برای همین جمله حساب نمی شود .

۳. کلماتی مانند رفت و آمد ، گفت و شنود ، دید و بازدید ، خرید و فروش و ... فعل حساب نمی شوند.

مانند : رفت و آمد ماشین ها در این جا بسیار زیاد است .

یک جمله

www.my-dars.ir

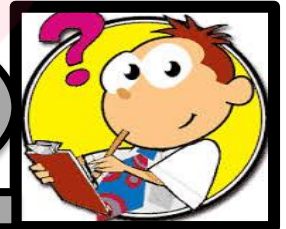
پرسش و پاسخ



در ابیات و عبارات زیر تعداد جملات را مشخص کن .

- ای نام تو بهترین سرآغاز
- به نام خدایی که جان آفرید
- خرد را نیست تاب نور آن روی
- من شاعرم خوش می زرم ، از عشق و از مستی رقم
- اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق ، روشنایی افزایش اندر دل و غفلت از این و نااندیشیدن ، تاریکی
- افزایش اندر دل و نادانی ، گمراهی است .
- برگ درختان سبز در نظر هوشیار
- بی نام تو نامه کی کنم باز
- سخن گفتن اندر زبان آفرید
- برو از بهر او چشم دگر جوی
- اما به چشمانت قسم ، چشم تو خوش تر می زند
- هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

نکته نگارشی (۱)



تبدیل شعر به نثر

برای اینکه یک بیت شعر را به نثر تبدیل کنیم باید کارهای زیر را انجام دهیم :

- (۱) با استفاده از نشانه های فعل (انجام کار یا روی دادن حالت ، زمان ، شخص) فعل را پیدا کنیم .
- (۲) نهاد جمله را پیدا کنیم .
- (۳) نهاد را ابتدای جمله و فعل را انتهای جمله قرار دهیم .
- (۴) اگر فعل نیاز به مفعول داشت ، مفعول را در جای قرار دهیم .
- (۵) اجزای دیگر مانند صفت ، مضاف الیه ، قید ، حروف و ... هر کدام را در جای خود می گذاریم .
- (۶) به جای بعضی از واژه های دشوار ، معنی امروزی آنها را می نویسیم .

مثال ۱: هرگز نشد محبت یاران و دوستان هم پایه ی محبت و مهر و وفای تو

محبت یاران و دوستان ، هرگز برابر محبت و لطف و صفای تو نشد .
مثال ۲: برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است در نظر کردگار
هر ورق از برگ درختان سبز در نظر انسان هوشیار ، کتابی برای شناخت خدا است .

تـمـرین

ابیات زیر را بازنویسی کنید .

- جدا شد یکی چشمه از کوهسار
- به ره گشت ناگه به سنگی دچار
- بیا زین ره به قصر پادشاهی
- به راهی در ، سلیمان دید موری
- اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق ، روشنایی افزایش اندر دل
- این همه خلق را که شما بینید بدین چندین بسیاری ، این همه را خالق است .

کارگاه نویسندگی



هنگام نوشتن ، باید به نکته های زیر ، توجه داشته باشیم :

۱. از به کار بردن کلمه های گفتاری و شکسته ، در نوشته ، خودداری کنیم .
۲. سعی کنیم ، مطالب اضافه را حذف کنیم .
۳. سعی کنیم ، واژه های تکراری را حذف کنیم .
۴. سعی کنیم ، ساده و روان و خوانا بنویسیم .

تـمـرین

جملات زیر را ویرایش کنید .

- دیروز به نونوایی رفتم و از نونوا دو تا نون خریدم .

▪ من درس را دوس ندارم .

▪ دوستم درس خوب خوانده بود . معلم دوستم رو تشویق کرد .

نکته املائی



در پایه ی اول خوانده اید که این چهار شکل (اِ — ه ه) هم صدا یعنی دارای یک صدا هستند . بنابراین در تلفظ ؛ این دو شکل { بـ به } با یکدیگر هم صدا و همانند خوانده می شوند .

لازم است بدانید طبق قواعد املائی فارسی ، در اول « فعل ها » این شکل (بـ) استفاده می شود که به فعل بعد از خود می چسبد که بـ با کسره خوانده می شود ولی کسره ی آن نمی چسبد .

مثال : بیاید ← ب + باید ← خوانده می شود (بیاید) و بدین شکل (بیاید) نوشته می شود .

مثال : بسازید - برساند .

ولی این شکل نوشتاری ← (به) به کلمه ی بعد از خودش نمی چسبد و جدا نوشته می شود .

مثال : به نام خدایی ← یعنی (به اسم خدایی)

پرسش و پاسخ



دانش آموز عزیز، متن درس ۱ را با دقت بخوان و بعد با بستن کتاب این

۱- متن را کامل کن .

معرفت کردگار

این همه را که شما بدین چندان بسیاری ، این همه را است که

..... ایشان است و برایشان از وی است . آفریدگار را پرستیدن

و بر نعمت او باید کردن .

اندیشه کردن اندر کار و روشنایی اندر دل ، و

..... از این و تاریکی افزایش اندر دل و نادانی است .

۲- با حروف در هم ریخته ی زیر پنج واژه بنویسید که در متن درس آمده باشد .

ل - غ - ا - م - ض - ج - ر - و - ک - ع - ت - ف - ی